



## مقایسه دگردیسی نبرد قهرمانان در شاهنامه فردوسی در تطبیق با حماسه

### قهرمانان جهان: ایلید، ادویسه و رامایانا (با تأکید بر شاهنامه طهماسبی)

یدالله طالشی<sup>۱</sup> 

<sup>۱</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران، taleshi@iiu.ac.ir

#### چکیده

روایات اساطیری همواره با اشارات و دلالت‌های رمزگونه و رازآلود همراه بوده است. یکی از این امور شگفتی‌آفرین، دگردیسی موجودات و شخصیت‌هاست. دگردیسی یکی از مهم‌ترین عناصر ادبیات حماسی و اسطوره‌ای محسوب می‌شود. در ادبیات حماسی در پاره‌ای از موارد چهره‌های اسطوره‌ای دچار تغییر شکل و دگردیسی‌های چشم‌گیری شده‌اند. دگردیسی در شاهنامه و دیگر حماسه‌های دنیا با توجه به تفاوت‌های جغرافیایی و فرهنگی ایران و دیگر نقاط جهان، جلوه‌های گوناگون، و تفاوت‌ها و شباهت‌های زیادی دارد. در شاهنامه معمولاً شاهان، دیوان و جادوگران دگرگون می‌شوند و قدرت دگرگونی دارند؛ در حماسه‌های یونان و هند نیز خدایان و ایزدان بیشتر دگرگون می‌شوند. در پژوهش پیش رو تلاش شده است چگونگی، نحوه و انواع دگردیسی در شاهنامه، ایلید، ادیسه، و رامایانا بررسی، و با یکدیگر مقایسه شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بیشتر دگردیسی‌های شاهنامه در نبرد قهرمانان در خشکی و اغلب دگردیسی‌های ایلید و ادیسه در آب‌های بیکران به وقوع می‌پیوندد. شکل دگردیسی در شاهنامه در هیئت آدمیان، سنگ، ابر و اژدها است، و در حماسه‌های ایلید و ادویسه و رامایانا معمولاً در هیئت پهلوانان و شاهزادگان و پرنده‌گان است. دگردیس‌کننده‌ها و شونده‌ها پس از رسیدن به مقاصد خود، به شکل اصلی خود بازمی‌گردند. هدف از دگردیسی‌ها در همه حماسه‌ها بیشتر کمک، فریب، نجات و آزمایش است.

#### اهداف پژوهش:

۱. بررسی چگونگی، نحوه و انواع دگردیسی در شاهنامه، ایلید، ادیسه و رامایانا.
۲. بررسی دگردیسی نبرد قهرمانان در شاهنامه طهماسبی.

#### سؤالات پژوهش:

۱. نحوه و انواع دگردیسی در شاهنامه، ایلید، ادیسه و رامایانا چگونه است؟
۲. مختصات دگردیسی نبرد قهرمانان در شاهنامه طهماسبی چگونه است؟

#### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۲

دوره ۲۰

صفحه ۴۶۱ الی ۴۷۶

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

#### کلمات کلیدی

دگردیسی، شاهنامه، ایلید، ادویسه، رامایانا.

#### ارجاع به این مقاله

طالشی، یدالله. (۱۴۰۲). مقایسه دگردیسی نبرد قهرمانان در شاهنامه فردوسی در تطبیق با حماسه قهرمانان جهان: ایلید، ادویسه و رامایانا (با تأکید بر شاهنامه طهماسبی). مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۲)، ۴۶۱-۴۷۶.



[dori.net/dor/20.1001.1.\\*  
\\*\\*\\*\\*\\* \\*\\*\\*/](https://doi.org/10.22034/IAS.2022.374678.2104)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.374678.2104](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2022.374678.2104)

## مقدمه

بدن انسان اهمیت محوری در ادراک و شیوه ارتباط او با جهان دارد. صورت جسمانی انسان، اموری همچون حرکت، تغذیه و نحوه ارتباط با دیگر موجودات زنده را مدیریت می‌کند و به آن شکل می‌دهد، به همین علت، نقشی اساسی در تعیین هویت انسان و تمایز با دیگر موجودات بازی می‌کند. با دگردیسی اما مرزهای جسمانی از پایه دگرگون می‌شود. دگردیسی در واقع فرایندی است که در آن ماهیت و شکل موجودات به خصوص موجودات افسانه‌ای باتوجه به شرایطی و برای اهدافی تغییر می‌یابد تا بتواند در شرایط جدید و با ماهیت جدید ادامه حیات دهد.

استفاده از ایده دگردیسی جسمانی انسان به حیوانات و دگردیسی حیوانات به انسان، سابقه‌ای دیرینه در ادبیات و به‌ویژه در ادبیات حماسی دارد. ردپای این ایده را می‌توان در آثار ادبی کهن همچون شاهنامه، ایلیاد، ادیسه و رامایانا همچنین در آثار مدرنی همچون «مسخ»، اثر «کافکا» و «قلب سگی»، اثر «بولگاکف» یافت. روایات اساطیری همواره با اشارت‌ها و دلالت‌هایی رمزگونه و نمادین و اموری شگفت‌انگیز همراه‌اند. این شگفتی‌ها در منطق اسطوره، چیزی جز باورها، امیال و آرزوهای دیرین انسان‌هایی کهن برای رهایی از ابهامات و پیچیدگی‌های هستی نبوده است. یکی از این امور شگفتی‌زا دگردیسی موجودات و پدیده‌ها به یکدیگر است که خود حاصل خلاقیت‌های کهن و نشان‌دهنده تجلیات گوناگون روانی، اجتماعی، زبانی، زمانی و مکانی انسان‌ها در دوره‌های باستانی است. این دگردیسی‌ها گاهی در متون حماسی جلوه‌های خاص به خود می‌گیرند. دگردیسی در آثار حماسی و اسطوره‌ای به معنای تغییر شکل ظاهری و اساس و هویت شخص یا چیزی با استفاده از نیروی ماوراءالطبیعی است. در این حماسه‌ها و اسطوره‌ها، خدایان و ایزدان و قهرمانان و برخی جانداران به مدد قدرت ماوراءالطبیعه و تخیل انسان به اشکال و هویت مختلف مبدل می‌شوند.

معانی و مفاهیم دگردیسی متعدد است و می‌توان آن را به گونه‌های زیر تقسیم کرد: دگردیسی نمادها که در آن عوامل مختلف سیاسی، تغییرات سبکی و توجه به مخاطب و ... تأثیرگذارند، دگردیسی رمان که در آن، تغییرات هم شامل ظاهر و ساختار می‌شود و هم محتوا و مضمون را در برمی‌گیرد، دگردیسی رنگ، دگردیسی هویت انسان، دگردیسی سیر تحول تصویر شعری، دگردیسی قهرمان و دگردیسی در اسطوره؛ اما آنچه در این مقاله مدنظر است، دگردیسی خدایان، قهرمانان و موجودات اسطوره‌ای و حماسه‌ای است. این مقاله بر آن است تا با مطالعه شاهنامه و برخی از حماسه‌های مهم جهان، انواع دگردیسی در شخصیت‌های اسطوره‌ای را استخراج کرده و سپس به مقایسه آن‌ها بپردازد. شیوه تحقیق در این مقاله به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای است؛ بدین صورت که نگارنده ابتدا به مطالعه و بررسی درباره دگردیسی، حماسه و اسطوره پرداخته، سپس انواع دگردیسی در شاهنامه، ایلیاد، اودیسه، و رامایانا را نشان داده و در نهایت به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های دگردیسی در شاهنامه با حماسه‌های ذکر شده پرداخته است.

درباره دگردیسی در حماسه و اسطوره تا به حال تحقیقات ارزشمندی صورت گرفته و آثار بسیاری نوشته شده است؛ منصور رستگار فسایی در این زمینه کتاب جامع و ارزشمند «پیکرگردانی در اساطیر» را نوشته و در آن به دگردیسی در اسطوره‌های ایران و جهان پرداخته است. مقالاتی بی‌شماری هم در این زمینه چاپ شده است که از آن جمله می‌توان به موارد به «دگردیسی‌های قهرمانان در شاهنامه» (۱۳۹۱) نوشته مصیب اشکی، «پیکرگردانی در

منظومه‌های فارسی رامایانا» (۱۳۹۷) نوشته پریسا سلطانی، «تحلیل ترانسانه‌ای دگردیسی و آیین تشریف در شاهنامه به روایت تصویر» (۱۳۹۲) نوشته منصور مهرنگار، «بررسی جامعه‌شناختی پیکرگردانی اژدها در متون حماسی ایران: (۱۳۹۸) نوشته محمد عباس‌زاده اشاره کرد؛ اما جست‌وجوی نگارنده نشان می‌دهد تاکنون مقاله یا پژوهشی که دگردیسی در شاهنامه را با دگردیسی در ایلید، ادیسه و رامایانا مقایسه کرده باشد صورت نگرفته است.

## ۱. دگردیسی

اصطلاح دگردیسی از حوزه علم زیست‌شناسی وارد ادبیات شده است و معانی و تعبیرهای گوناگونی دارد؛ در لغت‌نامه دهخدا در مورد این کلمه آمده است: «دگردیسی، دگرگونی حالت و کیفیت دگردیسی است؛ تغییر شکل دادن جانوران؛ در اصطلاح جانورشناسی تغییر مشهود و کمابیش ناگهانی در شکل یا ساختمان و نیز معمولاً در عادات و خوراک و ... یک حیوان در دوران زندگی مابعد جنینی است؛ مثل تغییر شکل نوزاد یک حشره به شفیره یا کفلیز به قورباغه» (دهخدا؛ ۱۳۷۳، ذیل واژه). جان هیلنز، کلمه «دگرریختی» را معادل دگردیسی و پیکرگردانی به‌کار برده است، و در توضیح این واژه می‌نویسد: «در اساطیر ایران همانند اساطیر بسیاری از سرزمین‌های دیگر، انسان‌ها در زندگانی خود یا پس از مرگ گاهی به هیئت حیوانی و نباتی پدیدار می‌شوند. در باورهای مردمی بسیاری از پرندگان و نباتات به هیئت انسان و برعکس نمایان می‌شوند» (هیلنز؛ ۱۳۸۳: ۴۶۲).

در دانشنامه «دانش‌گستر» پیکرگردانی و دگردیسی یک چیز دانسته شده‌اند. دگردیسی شکل و شیوه مشخصی ندارد و اصطلاحاً به همه اشکال تناسخ، یا سخن‌گفتن حیواناتی چون اژدها و سیمرغ با آدمی، عمر جاودان یافتن، پرواز کردن و جز آن‌ها اطلاق می‌شود. دگردیسی در اساطیر ایرانی و ادب فارسی فراوان دیده می‌شود؛ از آن شمار می‌توان دگردیسی ایزد بهرام را نام برد که خود را به هیئت‌هایی چون باد، گاو زیبای زرین مو، اسب سفید زیبا با گوش‌های زرین، ماده شتر مست و جز آن‌ها می‌گرداند. سیمرغ که نه‌تنها خود در مقام موجودی به زبان آدمی سخن می‌گوید، بلکه در دگردیسی شخصیت‌هایی چون زال با نیروهای فراطبیعی نقشی بسیار مهم در اساطیر و داستان‌های اساطیری ایران ایفا می‌کند، می‌توان نام برد» (رامین و همکاران، ۱۳۸۹: ۵/۵۳۶).

رستگار فسایی این واژه را معادل پیکرگردانی به‌کار برده است که شامل: تغییر شکل ظاهری و ساختمان و اساس و هویت قانونمند شخص یا چیزی با استفاده از نیروی ماوراءالطبیعی است که این امر در هر دوره و زمانی غیرعادی به نظر می‌رسد و فراتر از حوزه و توان معمولی انسان‌ها و حتی نوابغ و افراد استثنایی به‌شمار می‌آید. در این حالت شخص یا شیء از صورتی به‌صورت دیگر می‌گردد و پیکری تازه و نو می‌یابد که ممکن است بروزات آن صوری و ظاهری و محسوس باشد، یا در نهاد و نهران دچار تغییراتی بنیادی شود؛ قدرت یا قدرت‌های تازه به‌دست آورد که قبلاً فاقد آن بوده است و در نتیجه، اگرچه اصولاً همان است که قبلاً بوده، در صورت و باطن او تحول و تغییراتی تازه ایجاد شده است که شکلی نو و کنش‌های خاص و متفاوت پیدا کرده است (رستگار فسایی، ۱۳۸۳: ۴۴).

آنچه در تمام این تعاریف مشترک است این است که دگردیسی تغییر شکل ظاهری و ساختمان یا تغییر هستی و هویت شخص یا چیزی با استفاده از نیروی فراطبیعی است. در این حالت، شخص یا شیء از صورتی به‌صورت دیگر

تبدیل می‌گردد و پیکری تازه و نو می‌یابد که ممکن است دگرگونی آن صوری و ظاهری و محسوس باشد. یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که دگردیسی در آن اتفاق می‌افتد، حماسه و اسطوره است. با دگرگونی ساختار اجتماعی، آداب و رسوم، تحول اندیشه‌های هر قوم و... اسطوره‌های آن قوم هم تحول می‌یابند. «اگر قانونی بر عوالم اساطیر حکومت کند، این همان قانون دگرگونی است» (همان: ۱۳۴). دگردیسی یکی از خصایص روایات اسطوره‌ای است که طبق این الگو، موجود زنده دستخوش یک تغییر بزرگ دائمی یا غیردائمی می‌شود؛ برخلاف دگردیسی‌های جسمانی (ظاهری) که در روایات اسطوره‌ای محدود به انجام خویش‌کاری خود هستند، دامنه تغییرات درونی (دگردیسی‌های ماهوی) به نوعی نامحدود و بی‌انتهاست.

رستگار فسایی تغییرات اسطوره‌ها را به سه شیوه ادغام، ابدال و ترکیب می‌داند (همان: ۴۰). اما مهرداد بهار تحول اساطیر را به چهار شیوه دگرگونی، شکستگی، ادغام، و ورود عناصر بیگانه می‌داند (بهار، ۱۳۵۲: ۴۵). چهره‌های اساطیری برخلاف چهره‌های تاریخی و مذهبی، در پاره‌ای از موارد دچار تغییر و دگردیسی‌های چشمگیری می‌شوند، این تغییر الزاماً تغییر ظاهری نیست، بلکه ممکن است به گونه‌ای باشد که چهره یک نماد به کلی تغییر یافته و از صورت یک چهره مثبت به صورت یک چهره منفی و گاه برعکس تغییر شکل دهد.

«پیکرگردانی می‌تواند شامل مظاهر مختلفی باشد، مانند پیکرگردانی خدایان به انسان، حیوان، گیاه، یا شیء، یا استحاله حیوان به انسان، و گفتگوی آن‌ها با انسان، گشتن اشیا به پیکر انسان یا حیوان، و گیاه، توانمندی انسان به انجام امور خارق‌العاده همچون دستیابی به عمر جاودان، آب حیات، پرواز در آسمان‌ها، دانستن غیب و پیشگویی، تغییر اندازه دادن و غیره» (رستگار فسایی، ۱۳۸۳: ۴۴). پدیده دگردیسی موجودات اساطیری از آغاز خلقت به صورت مختلف و شگفت‌انگیز جلوه کرده است. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های دگردیسی در حماسه و از آن جمله در حماسه ملی ایران، شاهنامه است. دگردیسی در شاهنامه نسبت به متون حماسی و اساطیری پیشین، علی‌رغم کمیت محدودش از حیث کیفی پدیده‌ای قابل توجه است و براساس فضای خردگرایانه‌ای که بر شاهنامه حاکم است، لزوماً باید ضرورتی وجود داشته باشد، و بر این اساس، انتظار می‌رود دگردیسی در شاهنامه دارای کاربرد ویژه‌ای باشد. در ادامه این بخش به برخی شخصیت‌ها و موجودات اساطیری در شاهنامه و برخی از حماسه‌های دیگر جهان که دچار دگردیسی در شکل یا تغییر نماد شده‌اند، اشاره می‌کنیم.

## ۲. دگردیسی در شاهنامه با تأکید بر شاهنامه طهماسبی

**دگردیسی جمشید:** در اساطیر و براساس روایات هندی، جمشید نخستین انسان است و از این رهگذر تمام ویژگی‌ها و وظایف ایزدمهر از قبیل «وظایف قضایی، روحانی، جنگاوری، متحدکننده طبقات اجتماعی، و باربری به وی نسبت داده شده است» (رضی، ۱۳۸۱: ۱۰۰). آن‌چنان‌که از گفته‌های فردوسی در شاهنامه برمی‌آید او از پایگاه ایزدی خود هبوط کرده و شخصیتی انسانی - شاهی یافته و ۷۰۰ سال پادشاهی کرده است. جمشید با برخورداری از فره پادشاهی به جای پدر بر تخت فرمانروایی نشست و تا زمانی که خوی خود را حفظ کرد، هیچ بدی در جهان نبود

و کسی از مرگ رنجه نبود. در این حال، وی از چهره‌های زیبا برخوردار است و اساساً او را به چهره جمشید مشاهده می‌کنیم. تصویر شماره ۱ جمشید را بر تخت پادشاهی نشان می‌دهد.



**تصویر ۱.** نگاره دربار جمشید. شاهنامه طهماسبی، ۹۸۴-۹۳۰ ه.ق. مکتب تبریز دوم.

به نظر می‌رسد بعد از اینکه جمشید فره ایزدی خود را از دست می‌دهد و خیره‌سر می‌شود، در ادامه با نماد ضحاک ظاهر می‌گردد.

چو این گفته شد فر یزدان از اوی      بگشت و جهان شد پر از گفت‌وگو  
منی چون پیوست با کردگار      شکست اندر آورد و برگشت کار

(فردوسی، ۱۳۷۵: ۵۶/۱)

**دگردیسی ضحاک:** چنانچه در شاهنامه آمده است «ضحاک را بیوراسب می‌خوانند که به زبان پهلوی بیور ده‌هزار است، زیرا که او ده‌هزار اسب‌تازی داشت» (صدیقیان، ۱۳۸۹: ۱۲۸). این شخصیت اساطیری نیز یکی دیگر از چهره‌های شناخته‌شده در شاهنامه فردوسی است که افسانه‌های بسیاری حول محور شخصیت او شکل گرفته‌اند. ضحاک در روایات اساطیری دیو - جانوری مهیب با سه دهان و سه سر و شش چشم است. اگرچه به قول فردوسی در شاهنامه از مهر بی‌بهره نیست، ولی در آغاز، قبل از این‌که ابلیس بر سر راهش قرار گیرد، از ویژگی‌های نیک و پسندیده بی‌بهره نبوده است.

شب و روز بودی دو بهره به زین      نه از روی بزرگی نه از روی کین

(فردوسی، ۵۲/۱)

درباره این که ضحاک و اژی دهاک یکی هستند و در حقیقت، ضحاک همان اژدهاست، سخن بسیار گفته شده است. در شاهنامه فردوسی اژی دهاک یا ضحاک پادشاه ستمگری است که بر روی شانه‌هایش دو مار روئیده است و این پادشاه ستمگر برای خوراک سر ماران خویش هرروزه جوانان بسیاری را به کام مرگ می‌کشیده است. تصویر شماره ۲ از شاهنامه شاه طهماسبی این روایت درباره ضحاک را به تصویر کشیده است.



**تصویر ۲.** پیدایش مار بر دوش ضحاک. شاهنامه شاه طهماسبی. مکتب دوم تبریز.

ضحاک بنابر آنچه فردوسی در شاهنامه ذکر می‌کند اژدها خوانده می‌شود و شخصیتی که در مجموع از متون اوستایی می‌توان برایش متصور شد، اساساً انسانی اژدها گونه است. جالب توجه اینکه فردوسی حتی بعد از پیدایش مارها بر دوش ضحاک از او به‌عنوان اژدها یاد می‌کند و از نظر او در بسیاری موارد ضحاک با اژدها در واقع یکی است. این نوع دگردیسی و تبدیل اژدها به انسان در متون حماسی دیگر ملل جهان نیز سابقه دارد؛ بنابراین می‌توان استنباط کرد که در واقع براساس یافته‌ها و آنچه در متون حماسی برمی‌آید، ضحاک تغییر یافته اژی دهاک اوستایی است. آن هنگام که روح و روان ضحاک به کاملاً توسط ابلیس تسخیر می‌شود، او به اژدها تبدیل می‌شود.

که گر اژدها را منم زیر خاک      بشویم شمارا سر از گرد پاک  
بدان تا جهان از بد اژدها      به فر من آید شمارا رها

(همان: ۷۸)

**دگردیسی فریدون:** فریدون یا افریدون یا آفریدون یکی از چهره‌های تأثیرگذار در شاهنامه فردوسی است که در شکل‌گیری وقایع حماسی مهمی چون قیام علیه ضحاک و کشته‌شدن او نقش به‌سزایی داشته است. چنان که در

تاریخ طبری در باب او ذکر شده است، «نخستین کس بود که لقب کی گرفت، او را کی افریدون گفتند و معنی کی پاک باشد. چنان که گویند روحانی، یعنی کار وی خالص و پاک است و به روحانیت پیوسته است و گویند که معنی کی، سودجوی باشد و به پندار بعضی‌ها کی، به معنی شکوه باشد و افریدون وقتی ضحاک را بکشت شکوه یافت» (طبری، ۱۳۵۲: ۱۵۳). فریدون یکی از فرهنگدانی است که به فرمان پروردگار قدرت افسونگری را از فرشته سروش می‌آموزد و از این قدرت خویش به شکل‌های مختلف بهره می‌گیرد.

دگرذیسی ضحاک به فریدون اگرچه سخت به نظر می‌رسد و دور از ذهن است، اما نشانه‌هایی می‌توان یافت که امکان دارد این اتفاق نیز در حوزه اسطوره رخ داده باشد. در نگاه نخست، بنابر دلایلی فردوسی نیز در شاهنامه به آن اشاره کرده است. چنانچه گفته شد ضحاک و اژی‌دهاک بنابر اساطیر یکی هستند و در حقیقت ضحاک همان اژی‌دهاک اسطوره‌ای است؛ از طرف دیگر، فریدون هم‌اورد اژی‌دهاک در جریان خواستگاری دختران شاه یمن خود را به چهره اژدها نمایان می‌سازد که شاید بتوان آن را نوعی دگرذیسی دانست. تصویر شماره ۳ فریدون در یک دگرذیسی و در هیبت اژدها یکی از پسران خود را می‌آزماید.



تصویر ۳. فریدون در هیبت اژدها، شاهنامه شاه‌طهماسبی، دوره صفوی. مکتب دوم تبریز.

البته دلایل دیگری هم در این رابطه وجود دارد که می‌تواند این فرضیه را قوت بخشد. در این داستان، فریدون آنگاه که قصد دارد پسرانش را بیازماید در نقش اژدهایی بر آنان ظاهر می‌گردد. در واقع، فریدون از قدرت افسونگری سود جسته و دچار دگرذیسی می‌شود. «دگرذیسی فریدون به اژدها از معدود دگرذیسی‌های انسان به غیرانسان، به‌ویژه تبدیل نیروی خیر به شهر است. این دگرذیسی موقتی است و پس از مشخص شدن نتیجه آزمون، اژدها ناپدید شده و فریدون به ماهیت حقیقی خود تبدیل می‌شود» (رستگار فسایی، ۱۳۸۳: ۲۲۶).

شد آگه فریدون بیامد به راه

چون از بازگردیدن این سه شاه

ز دلشان همی خواست کاگه شود  
 بیامد بسان یکی اژدها  
 ز بدها گمانیش کوتاه شود  
 کزو شیر گفتی نیابد رها  
 (فردوسی، همان: ۱/ ۲۸۵)

**دگردیسی جادوگر:** در هفت‌خوان رستم، نوعی دیگری از دگردیسی اتفاق می‌افتد؛ جادوگر پیری بر سر راه قهرمان قرار می‌گیرد و قصد فریب وی را دارد، اما در ادامه موفق به این کار نمی‌شود و با بازگشت به اصل خویش دستش رو می‌شود و سرانجام به اسارت رستم درمی‌آید.

یکی گنده پیری شد اندر کمند  
 میانش به خنجر بدو نیم کرد  
 پر آژنگ و نیرنگ و بند و گزند  
 دل جاودان زو پر از بیم کرد  
 (همان، ۲/ ۱۱۲)

در ماجرای جنگ رستم با شاه مازندران بعد از اینکه شاه مازندران به اسارت رستم درمی‌آید، وی برای رهایی از دست پهلوان در یک دگردیسی عجیب به شکل سنگی درمی‌آید و آن‌گاه که درمی‌یابد رستم قصد دارد آن تخته‌سنگ را بشکند بار دیگر به شکل ابری در سیمای مرد مبارزی که کلاه بر سر و خفتان بر تن دارد بر رستم ظاهر می‌شود تا ظاهراً از چنگیز رستم بگریزد.

شد از جادوی تنش یکپاره کوه  
 تهمت فروماند اندر شگفت  
 از ایران بر او بر نظاره گروه  
 سنان دار نیزه به دندان گرفت  
 بر این‌گونه خارا یکی کوه گشت  
 ز جنگ و ز مردی بی‌اندوه گشت

(همان، ۲/ ۳۸)

در خان چهارم اسفندیار نیز زن جادو خود را به شکل شیر درمی‌آورد:

زن جادو از خویشتن شیر کرد  
 جهانجوی آهنگ شمشیر کرد

(فردوسی، ۵/ ۲۳۸)

**دگردیسی ابلیس:** دگردیسی ابلیس را در داستان ضحاک شاهد هستیم. ابلیس در آغاز راه در نقش و شمایل جوانی نیکو صورت از ضحاک پیمان می‌گیرد، در گام دوم آن‌گاه که توانست از ضحاک پیمان بگیرد، خود را در نقش و چهره یک آشپز ماهر و چیره‌دست بر ضحاک نمایان می‌سازد، سرانجام ابلیس در گام سوم آن‌گاه که توانست اعتماد ضحاک را به‌خوبی به خود جلب کند، در شکل و نقش طبیعی حاذق و کاردان ظاهرشده به وی توصیه می‌کند برای رام کردن این مارها که بر دوشش روییده است، از مغز انسان‌ها خورش سازد.

بدو گفت اگر شاه را درخورم  
 یکی نامور پاک خوالیگرم

(فردوسی، ۱/ ۵۹)

بسان پزشکی پس ابلیس تفت  
 به فرزانیگی نزد ضحاک رفت

(همان: ۶۱)



**دگردیسی جانوران و گیاهان:** در ادبیات حماسی ایران علاوه بر دگردیسی شخصیت‌ها، دگردیسی جانوران را نیز شاهد هستیم. این موضوع نه تنها در اساطیر ایران، بلکه در اساطیر سایر ملل نیز به خوبی مشهود است و حکایت از آن دارد که موضوع دگردیسی موضوعی فراگیر در عرصه اساطیر ملل است و اساطیر ایران هم از این امر مستثنا نیستند. در داستان اسکندر مرغی را می‌بینیم که در مقابل اسکندر خود را به شکل آدمی درمی‌آورد. در این داستان، همچنین درختی را شاهد هستیم که مقابل اسکندر به شکل آدمی درآمده و آینده پادشاهی اسکندر را برایش بیان می‌کند.

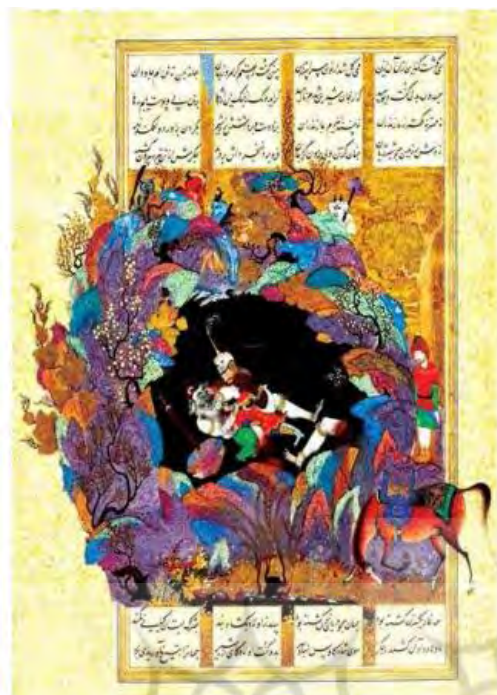
**دگردیسی اژدها:** یکی از مشهورترین و پر حضورترین موجودات اهریمنی و اصولاً زیان‌بار در متون حماسی و به‌ویژه متون حماسی ایران اژدها است. اژدها در فرهنگ جامعه ایرانی در دوره باستان نمادی از شر و بدی است و تقریباً در فرهنگ اساطیری تمام ملل از جمله ایران دارای خاصیت دگردیسی است و با توجه به شرایط و زمان خود، می‌تواند به موجودات دیگر تبدیل شود. این موجود پلید تقریباً در تمام جوامع به‌جز چین کاری جز از بین بردن انسان‌ها ندارد. در بسیاری از فرهنگ‌ها اژدها را حاصل دگردیسی مار می‌دانند. فردوسی در شاهنامه به صورتی نمادین این مهم را مطرح می‌کند؛ هوشنگ بعد از پرتاب سنگ به سوی مار سیاه، فروغی را در اثر برخورد دو سنگ می‌بیند که همان آتش است و مار همان سرما است، اگرچه فرار می‌کند و از بین نمی‌رود، راه مبارزه با آن به‌دست می‌آید.

در متون حماسی و همچنین شاهنامه، اژدها معمولاً به انسان در نقش ضحاک، به ابر سیاه، فریدون و جمشید تبدیل می‌شود. چنان‌که گفتیم از دیدگاه اساطیر ایرانی و بینش اسطوره‌ای و آنچه فردوسی در شاهنامه بیان داشته است، ضحاک تغییر شکل یافته اژدهاست. دگردیسی اژدها به انسان نوع دیگری است که اژدها در حوزه اساطیر تجربه می‌کند. **دگردیسی دیوان:** یکی از اعمال و قدرت‌های ماورایی و خارق‌العاده دیوان، این نمادهای شر، در داستان‌های حماسی و اسطوره‌ای، تغییر شکل دادن و در واقع همان دگردیسی است. در شاهنامه حکیم فردوسی، در داستان اکوان دیو که در زمره معروف‌ترین دیوهای شاهنامه است، موجودی اهریمنی را مشاهده می‌کنیم که به‌وضوح از دو جنبه پیکرگردانی و پیکرپذیری برخوردار است و سری شبیه فیل دارد. این دیو که اکوان نام دارد در این داستان خود را به شکل گورخری درمی‌آورد و گله اسبان کیخسرو را مورد حمله قرار می‌دهد.

رستم پس از اطلاع یافتن از این واقعه از زابلستان به قصد نابودی او رهسپار می‌شود. کیخسرو به رستم دستور می‌دهد که او را بکشد رستم؛ چون او را می‌بیند کمند به دورش می‌اندازد، ولی گور ناپدید می‌شود و رستم می‌فهمد که اکوان دیو است. اکوان دیو خود را به شکل باد درمی‌آورد و رستم را شکست می‌دهد. رستم پس از ماجراهای فراوان سرانجام پوسته ظاهری او را با خنجر آب‌دیده خود می‌برد و چهره کریه و واقعی او را نمایان می‌کند.

بینداخت رستم کیانی کمند	همی خواست کرد سرش را به بند
چو گور دلاور کمندش بدید	شد از چشم او در زمان ناپدید
بدانست رستم که آن نیست گور	ابا او کنون چاره باید نه زور

(فردوسی، ۳۵۶/۴)



تصویر ۴. نبرد رستم و دیو. شاهنامه شاهطهماسبی، دوره صفوی. مکتب دوم تبریز

**دگردیسی نمادها:** دگردیسی نمادها در شاهنامه خود موضوع مفصل و جداگانه‌ای است که می‌توان درباره آن پژوهش‌های گسترده و مجزا انجام داد، اما ذکر نمونه‌ای از این نوع دگردیسی در این بخش خالی از فایده نخواهد بود. چنانچه قبلاً گفته شد چهره‌های اساطیری برخلاف چهره‌های تاریخی و مذهبی، در پاره‌ای از موارد دچار تغییر و دگردیسی‌های چشمگیری می‌شوند، این تغییر الزاماً تغییر ظاهری نیست، بلکه ممکن است به‌گونه‌ای باشد که چهره یک نماد به کلی تغییر یافته و از صورت یک نماد مثبت به صورت یک نماد منفی و گاه برعکس تغییر شکل دهد. نمادها این قابلیت و توانایی را دارند که در مسیر زمان و تاریخ تغییر کرده و دچار تحول معنایی شوند. یکی از نمونه‌های این تغییرات نماد را می‌توان در اشعار طاهره صفارزاده شاعر معاصر مشاهده کرد. به‌عنوان مثال شخصیت فریدون که در ادبیات ایران بازتاب گسترده‌ای دارد و در اغلب آثار ادبی نمادی از آزادی و عدالت‌گستری است، در اشعار طاهره صفارزاده دچار تغییر و دگردیسی در نماد شده و از صورت یک نماد مثبت و پویا به صورت یک نماد منفی و راکد درآمده است. این امر حاکی از آن است که شرایط سیاسی و اجتماعی شاعر، چندان مجالی را برای بروز فریدون‌ها و دادگستری آن‌ها نمی‌دهد.

ما همه تنه‌اییم/ ضحاک مانده/ عمر فریدون گذشته است (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۸۱).

شخصیت دیگری که در شعر این شاعر دچار دگردیسی در نماد شده، کاوه آهنگر است. علی‌رغم آنکه کاوه از دیرباز به‌عنوان نمادی از آزادی و دادخواهی و قیام علیه ظلم و بیداد در ادبیات فارسی نمود پیدا کرده است، در شعر صفارزاده، چهره تازه‌ای از او به تصویر کشیده می‌شود. در شعر «ماشین آبی»، شاعر ضمن انتقاد از اوضاع رخوت آلود

زمان خویش از نماد کاوه، با صفت کاوه‌های پیر یاد می‌کند و بدین‌سان نمادینی این شخصیت را از یک نماد مثبت به یک نماد خنثی تغییر می‌دهد (مدرسی و رستمی، ۱۳۹۴: ۳۰-۱۵).

ما مهر و موم‌هاست/ منتظر مقصد هستیم/ ما در تقاطع تاریخی خیابان‌ها/ در امتداد کوروش/ و در نهایت تخت جمشید/ در این صف بلند زمان/ کاوه‌های پیر/ با ما/ کنار ما/ خمیازه می‌کشند (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۸۹).

### ۳. دگردیسی در ایلید

ایلید یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حماسه‌های جهان است. این اثر در حدود قرن هفتم قبل از میلاد نگاشته شده و موضوع آن جنگ تروا با یونان است. دگردیسی و پیکرگردانی در ایلید بسیار صورت می‌گیرد. به‌طور کلی اساطیر یونان بیشترین دگردیسی به حیوانات را خود دارد و در اکثر آن‌ها انسان‌ها توسط ایزدان به پیکرهای حیوانی درمی‌آیند. ذکر تمام این دگردیسی‌ها در این پژوهش نمی‌گنجد و ما در این بخش تنها به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

**دگردیسی زئوس:** زئوس خدای بزرگ یونانیان که بر فراز کوه المپ بر دیگر خدایان و انسان‌ها فرمانروایی می‌کند؛ او خدای آسمان‌ها و صاعقه و رعد است. زئوس بیشترین پیکرگردانی را در حماسه ایلید دارد و به اشکال گوناگون تغییر شکل می‌دهد. این خدا بیشترین دگردیسی را در کامجویی‌هایش دارد.

**دگردیسی زئوس به پیکر مار:** زئوس برای دستیابی به «پرسفونه» به پیکر مار درمی‌آید. پرسفونه ایزد بانوی جهان زیرین است و مادرش دمی‌تر بانوی حاصلخیزی است.

**دگردیسی زئوس به گاو:** یکی دیگر از دگردیسی‌های زئوس به شکل گاو است. او برای کامجویی از «اوروپ» و برای جلوگیری از رشک «هرا»، خود را به شکل گاوی زربین شاخ درآورده، و اوروپ را دزدید و در کرت با او پیوست. اکنون فرزند او نیز به شکل گاو تجسم می‌یابد و نماد مار است و با نمادینگی پدر و مادر خود تناسب دارد.

**دگردیسی زئوس به قو:** زئوس در شکل یک قو، با «لدا» همسر «تیندار» درمی‌آمیزد که برخی گفته‌اند «هلن» و «پولوکس» فرزندان آن‌ها هستند.

**دگردیسی‌های معشوقه‌های زئوس:** علاوه بر دگردیسی‌های زئوس به حیوانات مختلف، معشوقه‌های او نیز به اشکال حیوانی درمی‌آیند؛ «کالیستو» که یکی از معشوقه‌های بی‌شمار زئوس به‌شمار می‌آید، به شکل خرس درمی‌آید. «یو» یکی دیگر از معشوقه‌های اوست که «هرا» او را تبدیل به گوساله کرده تا زئوس او را بیابد اما زئوس در هیئت گاو نری با او درآمیخت (ر.ک: پین سنت، ۱۳۸۰: ۷۴). زئوس علاوه بر اینکه خود تغییر شکل می‌دهد، در بسیاری از مواقع دیگران را نیز دگردیسی می‌کند. به‌عنوان مثال، او «لیکائون» شاه آرکادی را به دلیل پذیرایی کردن از او با گوشت کودک انسان، تمام خانواده‌اش جز یکی از پسرانش توسط صاعقه می‌کشد و خود لیکائون را به گرگ تبدیل می‌کند و لیکائون پس از ۹ سال نخوردن گوشت انسان به شکل اولیه خود بازمی‌گردد. سایر دگردیسی‌ها در ایلید: در یونان باستان پرندگان جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده و اکثر دگردیسی‌ها در حماسه‌های آن‌ها به‌صورت پرندگان رخ داده است.

برخی از این نوع دگردیسی‌ها عبارت‌اند از:

**دگردیسی هرا به کبوتر:** اولین پیکرگردانی که در ایلید با آن روبه‌رو می‌شویم در سرود پنجم است که «هرا» از زئوس برای یاری‌رساندن به مردم آخایی اجازه می‌گیرد و همراه با «آتنه» از المپ به سوی کارزار می‌روند. «و مانند دو کبوتر با پرواز هم‌دوش و سبک‌خیز که در فاصله کمی از زمین به پرواز درآیند پیش رفتند» (هومر، ۱۳۹۳: ۱۵۳).

**دگردیسی آتنه و فوبوس به کرکس:** در سرود هفتم می‌بینیم که «آتنه» و «فوبوس» به سیمای دو کرکس درمی‌آیند. فوبوس یکی از سوارکاران و فرزند «آرس» و «آفرودیت» است که او را تجسم ترس می‌دانند.

**دگردیسی هرا به پرنده کالسیس:** در سرود چهاردهم، پروردگار خواب، به درخواست «هرا» و در ازای پاداش به هرا برای خواب نمودن زئوس کمک می‌کند و برای پنهان‌ماندن از چشم زئوس به شکل پرنده‌ای به اسم «کالسیس» درمی‌آید.

**دگردیسی فیکوس به دارکوب:** «سیرسه» جادوگر «فیکوس» را برای اینکه به عشق او تن نداد، به دارکوب بدل کرد. از طرفی در روایتی دیگر فیکوس با کمک دارکوب از عالم نهران خبر می‌داد. «آتنه» برای اینکه «کرونیس» از دست «پوزیدون» در امان باشد او را به زاغ تبدیل کرد.

به‌جز دگردیسی به پرنده‌گان، دگردیسی‌ها به سایر حیوانات و موجودات نیز در ایلید به چشم می‌خورد. برای نمونه: دگردیسی شیمر به چند حیوان: در سرود ششم از «شیمر» سخن می‌رود که «بلرو فون» او را از بین می‌برد، شیمر همان «خیمایرا» است که بدن او دارای سه بخش از سه حیوان شیر، بز و اژدها یا مار است.

**دگردیسی کالیستو به خرس:** برخی از ایزدان، انسان‌ها را برای تنبیه یا نجات یا دلایل متفاوت دیگر تبدیل به حیوان می‌کردند. از جمله، تبدیل شدن «کالیستو»، توسط «آرتمیس» به شکل خرس؛ در جایی دیگر این الهه «آکتئون» را که توسط «سانتور خیرون» به یک شکارچی ماهر تبدیل شده بود، به دلیل لاف در بهتر بودن و همچنین به دلیل اینکه شاهد این ایزد بانو در آب بوده است، به گوزن تبدیل می‌کند و به پنجاه سگ شکاری خود دستور می‌دهد او را از هم بدرند.

#### ۴. دگردیسی در ادیسه

ادیسه اثر دیگر هومر بیشتر از آنکه منظومه‌ای مجزا باشد، شرح بازگشت شگفت‌انگیز ادیسه به سرزمین خویش بعد از ده سال از جنگ تروا، و مجازات خواستگاران همسرش است. این اثر نیز مانند اثر دیگر هومر دگردیسی‌های متفاوتی را به تصویر کشیده است. در ادیسه خدایان و جادوان هر دو جادوگری می‌کنند. «آتنه» و «سیرسه» بغ بانوانی هستند که بارها جادوگری می‌کنند. در سرود چهارم، پیری از دریا برمی‌آید که برای رهاشدن از دست «الیس» و یارانش خود را به ریخت‌های گوناگون درمی‌آورد. در زیر چند نمونه از دگردیسی در حماسه ادیسه را ذکر می‌کنیم.

**دگردیسی آتنه به پرنده هما:** در این منظومه بیشترین پیکرگردانی توسط «آتنه» صورت می‌گیرد که بیشتر انسانی است تا حیوانی. او در سرود سوم در برابر «نستور» و «تلماک» به شکل پرنده هما درمی‌آید.

پیکرگردانی هُلن به سگ: در سرود چهارم، «هَلن» هنگام روبه‌رو شدن با پسر «اودیسیوس» خود را در قالب شخصی با سیمای سگ نمایان می‌کند. در روایات مربوط به «هَلن» اکثراً او را فرزند زئوس و «لدا» می‌دانند. زیبایی هَلن را می‌توان در دگردیسی مادر و پدرش دانست که به قو بدل شده بودند و قو در نمادشناسی تجسم نور و درخشش است که در چهره هَلن بازتاب یافته است.

پیکرگردانی پروته به حیوانات مختلف: «منلاس» از یکی ایزدان دریا، به اسم «پروته» و دخترش «ایدونه» سخن می‌گوید که ایدونه به آن‌ها کمک می‌کند تا از جزیره «فاروس» رهایی یابند. هنگامی که منلاس با حيله خود توسط همراهانش پروته را به دام می‌لنزد، او خود را به اشکال گوناگونی درمی‌آورد، از جمله حیواناتی چون شیر، اژدها، پلنگ و خوک. پروته خدای باستانی دریا مانند زئوس می‌توانست ظاهر خویش را به دلخواه تغییر دهد.

دگردیسی همراهان سیرسه به خوک: روایاتی که در مورد «سیرسه» آمده است او را دارای قدرت خارق‌العاده‌ای برای ساخت معجون‌هایی دانسته‌اند که می‌توانست دیگران را به حیوانات تبدیل کند. هومر در سرود دهم از او سخن می‌گوید که در جزیره زندگی می‌کند؛ سیرسه دختر ایزد خورشید «هلیوس» و «پرسیس» است. در این سرود وی با خوراندن معجونی به چند تن از همراهان و زدن چوب‌دستی خود بر آن‌ها، آن‌ها را تبدیل به خوک می‌کند.

دگردیسی هرمس و اینو به مرغ الیکایی: در سرود پنجم، هرمس به دستور زئوس به پیش «کالیستو» می‌رود که به او فرمان رهاسازی «اودیسیوس» را بدهد. او در هنگام رفتن، خود را به پیکر مرغ الیکایی درمی‌آورد. در همین سرود «اینو» دختر «کادموس» و «هارمونی» را می‌بینیم که برای کمک به «اودیسیوس» به شکل پرنده الیکایی در می‌آید. پدر و مادر او نیز بعد از مرگ تبدیل به مار می‌شوند.

پیکرگردانی به موجودات ترکیبی: در ادیسه نیز همانند ایللیاد با موجوداتی ترکیبی مواجه می‌شویم که بر اثر تشبیه ایزدان به موجوداتی مرکب از چند حیوان یا حیوان - انسان تبدیل می‌شوند و نقشی دوزخی را ایفا می‌کنند. هارپی‌ها دختران «توماس» و «الکترا» زنان بال‌دار با گیسوانی زیبا بودند که به مرور زمان از آن‌ها به شکل غولانی دارای بدنی استخوانی کرکس مانند و منقار و چنگال‌های خمیده یادشده است.

## ۵. دگردیسی در رامایانا

رامایانا کهن‌ترین حماسه هندی که آن را «والمیکی» به زبان سانسکریت بین قرن ۳ تا ۵ تا قبل از میلاد سروده و بعدها به صورت منظوم و منثور به زبان فارسی برگردانده شده است. پدیده دگردیسی از مهم‌ترین ویژگی‌های اساطیری است که جلوه‌های آن را به‌وفور در حماسه رامایانا نیز می‌توان یافت که ذکر همه آن‌ها در این مقال امکان‌پذیر نیست. در ذیل به نمونه‌هایی از انواع دگردیسی در رامایانا اشاره می‌کنیم. در حماسه رامایانا جلوه‌های دگردیسی به شکل دگردیسی خدایان به انسان، دگردیسی کائنات به انسان و حیوان، دگردیسی ایزدان و روحانیون، و تغییر ظاهر روی می‌دهد.

پیکرگردانی خدایان به انسان: در حماسه رامایانا «ویشنو» در یکی از اوتارها و تجسمات خویش در دوره «تریتا»، از ادوار چهارگانه هندو، به شکل «رام» ظاهر می‌شود. در رامایانای منثور، تجلی ویشنو در قالب رام بیشتر محسوس و ملموس است. «سیتا» نیز ایزدی است که در حماسه رامایانا به شکل انسان دگردیس می‌شود. وی تجلی ایزدبانوی «لکشمی»، همسر خدای ویشنو و مظهر الهه زمین مادر است (پانی پتی، ۲۰۰۹: ۷۷).

پیکرگردانی کائنات به انسان و حیوان: این نوع استحاله حاکی از نوعی شخصیت‌یافتگی عناصر طبیعی است. مهم‌ترین نمونه این دگردیسی تبدیل کائنات به میمون و خرس برای نابودی «راون» است. در رامایانا آنجا که کائنات و ساکنان افلاک از دست جور «راون» به دادخواهی نزد «برهما» می‌روند، از غیب ندا می‌رسد که در دور تریتا رام متولد می‌شود و ساکنان افلاک و عناصر طبیعت به شکل میمون می‌شوند و «راون» را هلاک می‌سازند.

تغییر ظاهر: موجودات اساطیری در ظاهر یا باطن دچار تغییر شده در هستی آن‌ها دگرگونی رخ می‌دهد. تغییر ظاهر از مهم‌ترین بخش‌های دگردیسی به شمار می‌رود و در حماسه فارسی رامایانا بخش زیادی را به خود اختصاص داده است. در این نوع دگردیسی نیروهای ایزدی و اهریمنی برای پیشبرد اهداف خویش خود را به صورت‌های دلخواه درمی‌آورند. برای نمونه می‌توان از دگردیسی‌های زیر نام برد.

دگردیسی رام: در حماسه رامایانا می‌بینیم که در مواردی «رام» صورت انسانی خود را کنار گذاشته و به صورت اصلی ظاهر می‌شود (اظهر دهلوی، ۱۳۵۰: ۸۱ / ۱).

دگردیسی به شکل حیوان: هنگام اقامت در «دندک بن»، «رام»، آهوی شکار می‌کند و به «سیتا» می‌دهد تا آن را کباب کند. کلاغی به دست‌وپای سیتا منقار زده او را می‌آزارد، رام، ناوک به‌سوی کلاغ می‌اندازد. او که راه‌گریزی از آن ندارد، به رام پناه می‌برد و خود را فرزند «ایندر» معرفی می‌کند.

نمونه دیگر هنگامی است که «راون» نزد «ماریچ» دیو می‌رود و از او می‌خواهد به شکل آهو شود و «سیتا» را فریب دهد. دگردیسی به شکل پری: «سورپنکها» خواهر «راون راجهسی» است که در جنگل به قصد خوردن آدمیان سیر می‌کند و می‌تواند خود را به صورت پری دربیآورد (همان: ۱۱۲).

دگردیسی به شکل برهمن: «راون» به هنگام دزدیدن «سیتا» به نیروی سحر به‌صورت برهمن و جوگی درمی‌آید تا او را فریب دهد، سپس به سیتا ابراز علاقه می‌کند. سیتا، راون را تهدید می‌کند که از این گفته خود بازگردد و گرنه از قهر «رام» و «لچهمن» در امان نخواهد بود (همان).

### نتیجه‌گیری

باتوجه‌به بررسی‌های انجام‌شده، مشخص شد که در حماسه‌های شاهنامه، ایلپاد، ادیسه و رامایانا انواع دگردیسی در خدایان، قهرمانان، جادوگران، و دیوان صورت‌گرفته است. باتوجه‌به شواهدی که ذکر شد، در دگردیسی‌های این حماسه‌ها می‌توان شباهت‌ها و تفاوت‌های بسیاری را مشاهده کرد که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌کنیم. در همه حماسه‌های مورد بررسی، دگردیسی یا برای کمک و یاری است، یا برای فریب، یا برای نجات جان، یا برای آزمایش. در همه حماسه‌های مورد بررسی، دگردیس‌کننده‌ها و دگردیس‌شونده‌ها، پس از رسیدن به مقاصد خود به شکل

اصلی خود بازمی‌گردند. دگردیسی در شاهنامه نسبت به حماسه‌های مورد بررسی بسیار کم‌تر است و این نکته با توجه به قدمت کم‌تر شاهنامه، قابل توجیه است. بیشتر دگردیسی‌ها در ایلید مختص خدایان و ایزدان است. این گروه در اشکال مختلفی معمولاً جهت کمک یا فریب ظاهر می‌شوند.

در دو حماسه یونانی، دگردیسی بیشتر به شکل پرندگان صورت گرفته است و این حکایت از اهمیت نمادین پرندگان در یونان دارد، همچنین به دلیل اینکه جایگاه خدایان بیشتر بر فراز آسمان و کوه المپ است، آنان همچنان جایگاه خود را حفظ کرده و به قهرمانان زمینی تبدیل نشده‌اند. این گروه برای آمدن به سوی زمین، باید شکل حیوانی را بپذیرند که جایگاه آن در آسمان باشد، اما در شاهنامه دگردیسی بیشتر به شکل جانوری از نمونه پستانداران است که این موضوع با توجه به اقلیم خشک ایران توجیه‌پذیر است. دگردیسی در حماسه رامایانا جلوه‌های گوناگون داشته و از این میان تغییر ظاهر، مسخ شدن و طلسم و جادو بیشترین نمونه‌ها را دارد. در حماسه‌های یونانی دگردیسی‌ها بیشتر برای آمیزش ایزدی با انسان، یا ایزد دیگری است، و هدف آن اکثراً دربرگیرنده مفهوم باروری و ایجاد تعادل میان عناصر طبیعت است، در حالی که در شاهنامه بیشتر به شکل جنگ میان خوبی و بدی، تاریکی و روشنایی، خشک‌سالی و بارندگی است.

در شاهنامه دیوان، آدمیان و برخی پدیده‌ها قدرت دگرگونی دارند، در حماسه ایلید و ادیسه خدایان و ایزدان بیشتر دگرگون می‌شوند، در حماسه رامایانا خدایان، ایزدان، حیوانات، آدمیان و پدیده‌ها قدرت دگردیسی دارند. شکل دگردیسی در شاهنامه در هیئت آدمیان، جوان زیبا، سنگ، ابر و اژدهاست؛ در ایلید معمولاً در هیئت پهلوانان و شاهزادگان و پرندگان است؛ در رامایانا بیشتر در هیأت حیوانات، آدمیان و دیو. در شاهنامه، ایلید و ادیسه بیشتر خود شخصیت‌ها دگردیسی می‌شوند، در حالی که در حماسه رامایانا شخصیت‌ها علاوه بر خود، دیگران را هم دگردیسی می‌کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع و مآخذ

## کتاب‌ها:

- اظهر دهلوی، عبدالودود. (۱۳۵۰). رامین کتاب مقدس هندوان. ۲ جلدی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بهار، مهرداد. (۱۳۵۲). اساطیر ایران. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- پانی پتی، سعدالدوله مسیح. (۲۰۰۹م). رامایانا، به اهتمام سید عبدالحمید ضیایی، سید محمد یونس جعفری، دهلی نو: مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران.
- پین سنت، جان. (۱۳۸۰). اساطیر یونان. ترجمه: باجلان فرخی، تهران: اساطیر.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه، تهران: بی‌نا.
- رامین، علی؛ فانی، کامران. (۱۳۸۹). دانشنامه دانش‌گستر. ۱۸ جلدی، تهران، هرمس.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹). پیکرگردانی در اساطیر. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضی، هاشم. (۱۳۷۱). آیین مهر (میتراایسم). ج ۱، تهران: بهجت.
- صدیقیان، مهین‌دخت. (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیری - حماسی ایران به روایت منابع بعد از اسلام. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صفارزاده، طاهره. (۱۳۹۱). مجموعه اشعار طاهره صفارزاده. تهران: پارس کتاب.
- طبری، محمد جریر. (۱۳۵۲). تاریخ الرسل و ملوک، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۵). شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- هومر. (۱۳۷۸). ادیسه. ترجمه: سعید نفیسی. تهران: علمی فرهنگی.
- هومر. (۱۳۹۳). ایلیاد. ترجمه: سعید نفیسی. تهران: آوای مکتوب.
- هیلنز، جان راسل. (۱۳۶۸). اساطیر ایران. ترجمه: ژاله آموزگار، احمد تفضلی، تهران: چشمه.

## مقالات

- مدرسی، فاطمه؛ رستمی، فرشته. (۱۳۹۴). «دگردیسی چهره‌های نمادین در اشعار صفارزاده». نشریه فنون ادبی، دوره هفتم، شماره ۲، ۱۵-۳۰.